

Islamic Law and Jurisprudence Studies
Vol 16, Consecutive Number 36, Autumn 2024
Issn: 2717-0330

Journal Homepage: <https://feqh.semnan.ac.ir/>

This is an Open Access paper licensed under the Creative Commons License CC-BY 4.0 license.

journal of
Studies in Islamic Law & Jurisprudence



Investigating the Anal Intercourse Relations between the Spouses and its Connection with the Sexual Submission of the Wife from Islamic Jurisprudence

Ghobad. Ehsan¹

1: Assistant Professor, Department of Islamic Studies, Islamshahr Branch, Islamic Azad University, Islamshahr, Iran. ghobad.ehsan@gmail.com

Abstract: One of the Islamic jurisprudence topics discussed under the issue of alimony and dowry (the customary entitlements of the wife) is the issue of her sexual and non-sexual submissions. The wife's willful refusal to submit to her husband causes her not to fulfill her marital duties. Readiness to have sexual intercourse is one of the instances of a woman's submission and in the case of the uncustomary anal submission, although according to famous Fatwas such acts are disapprovingly permitted but the adduced reasons (i.e., the traditions related to rights of husband and the 223rd verse of Surah Al-baghara) for the obligatoriness of such anal submissions for women cannot stand against the reasons adduced by Ibn Abi Yafur's tradition (which states the unobligatoriness of submitting to such anal requests) and the physical dangers of having such anal intercourses. Accordingly, it appears that the correct Fatwa in such cases is the unobligatoriness of women's submission to the anal requests of their husbands despite the existence of Fatwas on the obligatoriness of anal submission of women among new and old Islamic canonists.

Keywords: Sexual Intercourse, Anal Intercourse, Submission, Refusal of a Woman to Fulfill Marital Duties, Comparison.

- E. Ghobad (2024). Investigating the Anal Intercourse Relations between the Spouses and its Connection with the Sexual Submission of the Wife from Islamic Jurisprudence, *Islamic Law and Jurisprudence Studies*, 16(36), 109-134.

[Doi: 10.22075/feqh.2023.28907.3432](https://doi.org/10.22075/feqh.2023.28907.3432)



فصلنامه مطالعات فقه و حقوق اسلامی

سال ۱۶- شماره ۳۶ - پاییز ۱۴۰۳

صفحات ۱۰۹-۱۳۴ (مقاله پژوهشی)

تاریخ: وصول ۱۴۰۱/۰۸/۱۴ - بازنگری ۱۴۰۱/۱۰/۲۸ - پذیرش ۱۴۰۱/۱۱/۲۴

بررسی فقهی رابطه نامتعارف زوجین و نسبت آن با تمکین

احسان قباد^۱

ghobad.ehsan@gmail.com

۱: استادیار گروه معارف، واحد اسلامشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، اسلامشهر، ایران.

چکیده: از جمله مباحث فقهی ذیل بحث مهریه و نفقه - نیازمندی های عرفی در زندگی مشترک - بحث از تمکین یعنی انجام وظایف زوجیت توسط زوجه در دو ساحت عام و خاص می باشد که امتناع از آن باعث نشوز و خروج زن از تعهدات همسری می گردد. آمادگی برای رابطه جنسی، یکی از مصادیق تمکین خاص به شمار آمده و صورت نامتعارف آن اگرچه طبق فتوای مشهور، محکوم به جواز همراه با کراهت گردیده است اما دلایل اقامه شده بر لزوم تمکین زوجه نسبت به این صورت از رابطه جنسی، یعنی «روایات حقوق زوج» و «آیه ۲۲۳ سوره بقره: حرث و کشتزار بودن زوجه» تاب مقاومت در برابر روایت ابن ابی یغفور - که ناظر به عدم وجوب اجابت چنین خواسته ای بوده - و نیز مخاطرات جسمی این نوع از رابطه نداشته و به رغم این که فتاوی زیاد و در حد شهرت از فقهای متقدم و متأخر بر لزوم تمکین حتی نسبت به این نوع از رابطه وجود دارد فتوای صحیح، عدم وجوب تمکین زوجه در اجابت خواسته های نامتعارف زوج در رابطه جنسی می باشد.

کلیدواژه: آمیزش، آمیزش نامتعارف، تمکین، نشوز، رابطه جنسی.

احسان قباد - سال شانزدهم - پاییز ۱۴۰۳ - شماره ۳۶

- قباد، احسان (۱۴۰۳). بررسی فقهی رابطه نامتعارف زوجین و نسبت آن با تمکین، مجله مطالعات فقه و حقوق

اسلامی دانشگاه سمنان، شماره ۳۶، صفحات ۱۰۹-۱۳۴.

Doi: [10.22075/feqh.2023.28907.3432](https://doi.org/10.22075/feqh.2023.28907.3432)

مقدمه

روابط زوجین متأثر از مؤلفه های گوناگونی است که هر یک به نحوی در شکل گیری، استواری و قوام رابطه و یا ضعف و خلل و سستی آن نقش ایفا می کنند. از جمله مهم ترین و اثرگذارترین این مؤلفه ها در هر دو ناحیه قوت و یا ضعف، مسأله رابطه جنسی میان ایشان می باشد. رابطه سالم جنسی، آرامش و سکونی را با خود می آورد که نقش مهمی در تأمین سلامت جسم و روح زوجین ایفاء نموده و از همین جهت آموزش های مرتبط با روابط زناشویی بخشی از تعالیم اهل بیت علیهم السلام در حوزه «اخلاق جنسی» بوده است.^۱ در کتب فقهی نیز از دیرباز، نکاح و احکام و آداب آن بابتی از ابواب فقهی را به خود اختصاص داده است.

اما امروزه و در دنیای مدرن، لیبرالیسم و آزادی در کامجویی، لذت حداکثری و تجربه های مختلف جنسی که به صورت گسترده در رسانه های مکتوب، دیداری و فضای مجازی نمود یافته و بدان دامن زده می شود بر روابط زوجین نیز سایه افکنده و باعث گردیده است تا شکل این رابطه در روزگار ما دگرگون شده و صورت های نامتعارفی از این روابط مانند سکس مقعدی - رابطه جنسی از پسین زن - سکس دهانی، آلت لیبسی و صورت های انحرافی هم چون مازوخیسم^۲ - خویش آزاری - و سادیسم^۳ - دیگر آزاری جنسی - که در گذشته کمتر میان زوجین شایع بوده است، نمود یابد. فارغ از ابعاد گوناگون روحی، روانی، اخلاقی، حقوقی و جسمی این نوع از روابط، مسأله بُعد فقهی و مشروعیت نوع خاصی از این روابط نامتعارف^۴ و به تعبیر رایج فقهی «الوطی فی الدُّبُر» در «فقه خانواده» می باشد که محل اختلاف آراء و فتاوی فقههای امامیه بوده و

۱. برای آشنایی بیشتر مراجعه شود به: فقهی، علی نقی، تربیت جنسی؛ اصول و روش ها از منظر قرآن و حدیث و نیز: نظری توکلی، سعید؛ کراچیان، فاطمه؛ قلمرو حقوق همسر در روابط زناشویی

2. Mazochism

3. Sadism

۴. صورت متعارف از رابطه زناشویی در روایات به «التقاء ختائین؛ برخورد ختنه گاه مرد و زن» تعبیر شده (عاملی، ۱۴۱۴: ۱۸۳/۲) و آمیزش جنسی در صورت استعمال به شکل مطلق، عرفاً به این صورت انصراف پیدا نموده (بحرانی، ۱۴۰۹: ۲۶۴/۳) و در نتیجه آمیزش در پسین زن، آمیزش نامتعارف یا الوطی فی الدُّبُر نام دارد.

همچنین آثار متعدد بر آن بارگشته و محل ابتلاء می باشد. آثاری همچون: وقوع یا عدم وقوع جنابت در چنین رابطه ای، مفطر روزه بودن یا نبودن چنین رابطه ای، شمول یا عدم شمول تروک و محرّمات احرام نسبت به چنین رابطه ای، اسقاط یا عدم اسقاط وجوب مواقعه حداقل یک بار در چهار ماه زوج با زوجه با چنین رابطه ای، سقوط یا عدم سقوط حق فسخ نکاح زوجه در صورت عین بودن زوج و صرف توانایی زوج بر برقراری چنین رابطه ای، حرمت یا عدم حرمت چنین رابطه ای با زوجه صغیره، استحقاق یا عدم استحقاق مهر کامل به زوجه در صورت برقراری رابطه جنسی به این شکل، حرمت یا عدم حرمت ابدی در عقد در ایام عدّه و برقراری رابطه جنسی به این شکل در آن، بقاء یا عدم بقاء حق حبس برای زن با برقراری چنین رابطه ای، وقوع یا عدم وقوع زنا در صورت برقراری چنین رابطه ای، وجوب یا عدم وجوب تمکین زوجه از زوج برای چنین رابطه ای، برقراری صرف چنین رابطه ای در ایام زوجیت و سپس گسسته شدن عقد نکاح و لزوم یا عدم لزوم نگه داشتن عدّه و برخی آثار دیگر، که نشان دهنده موضوعیت داشتن بررسی این شکل از رابطه جنسی و لزوم تنقیح احکام مرتبط با آن است و مقاله حاضر درصدد بررسی نسبت این رابطه با فرعی از فروع مطرح شده در این مسأله یعنی لزوم تمکین زوجه از زوج در چنین رابطه ای می باشد. سؤال اصلی مقاله این است که: نسبت این شکل از آمیزش جنسی با «تمکین^۱ زوجه در برابر زوج» چیست؟ یعنی آیا اجابت زوجه نسبت به خواست زوج در برقراری چنین رابطه ای - بر فرض مشروعیت چنین رابطه ای ولو به شکل مکروه - شرعاً واجب بوده و از جمله حقوق

۱. تعریف فقهی از تمکین بیشتر ذیل مباحث مربوط به مهریه و نفقه - نیازمندی های عرفی زن از خوراک و پوشاک و مسکن تا خدمتکار و وسایل پخت و پز متناسب با شأن و جایگاه اجتماعی زن (نجفی، ۱۴۳۲: ۳۳۰/۳۱) - بیان شده است و به طور عمده، ناظر به اجابت خواسته های جنسی زوج توسط زوجه می باشد خواه این اجابت و در اختیار قرار گرفتن توسط زوجه به زبان بیاید (شیخ طوسی، ۱۳۸۷: ۱۱/۶؛ علامه حلی، ۱۴۲۰: ۴۱/۴؛ محقق حلی، ۱۴۰۸: ۲/۲۹۱) یا لزومی به بیان لفظی نباشد (شهید ثانی، ۱۴۱۳: ۸/۴۴۰؛ نجفی، ۱۴۳۲: ۳۱/۳۰۷).

جنسی زوج به شمار می آید و در صورت اجتناب زوجه از اجابت، نشوز^۱ واقع می گردد؟ برای دریافت پاسخ سؤال خود ابتدا آراء فقهاء راجع به رابطه نامتعارف را بیان داشته و سپس به نسبت سنجی و پاسخ به پرسش اصلی مقاله خواهیم پرداخت.

۱- رابطه نامتعارف در آراء فقها

۱-۱- اقوال موجود در مسأله

صورت متعارف و طبیعی رابطه زناشویی^۲ در غیر موارد خاصی که نزدیکی زوجین حرمت شرعی دارد مثل ایام عادت زنانگی یا عدم بلوغ و آمادگی جسمی زوجه، محلّ بحث در میان فقها نمی باشد اما آمیزش نامتعارف بنابر نوع برداشت فقیه از ادله، محکوم به جواز - به معنای عدم حرمت - و یا حرمت گردیده است. برخلاف فقهای متأخر که فتوای مشهور در میان ایشان جواز آمیزش نامتعارف همراه با کراهت شدید (طباطبائی، ۱۴۱۹: ۵/۵۰۳) می باشد، فقهای متقدم، دو دسته فتوا صادر نموده اند. گرچه کلینی، هم روایاتی را در کتاب حدیثی خویش آورده که صریح در جواز است (کلینی، ۱۴۳۰: ۱۱/۲۴) و هم از روایت مرسله ای استفاده نموده است که به جهت عبارت «هی لُعبَتک لا تُؤدّها؛ او عروسک توست، آزارش نده» (کلینی، ۱۴۳۰: ۱۱/۲۳۹) و ظهور نهی در حرمت، قول به ممنوعیت را تقویت می نماید اما به دو دلیل قول به جواز از منظر ایشان قابل استفاده است: ۱. به قرینه روایات جواز. ۲. عنوان بابی که برای باب قبل از این باب توسط ایشان انتخاب شده یعنی «ما یحلّ للرجل من امراته و هی طامث: آن چه برای مرد در حال عادت ماهانه همسرش حلال می باشد» و روایات این باب که دلالت بر جواز آمیزش نامتعارف در حال حیض داشته و به طریق اولی، بر آن در غیر حال حیض دلالت می نماید. شیخ مفید نیز بنابر آن چه شهیدثانی به ایشان نسبت داده (شهید ثانی، ۱۴۱۳: ۷/۵۷) و نیز آن چه در المسائل الطوسیه آمده است (ابن النعمان، ۱۴۱۳: ۱۲) قائل به جواز همراه با کراهت گردیده است. فتوای شیخ طوسی (۱۴۰۰: ۴۸۲؛ ۱۳۸۷: ۴/۲۴۳)، سید

۱. نشوز از نشز به معنای مکان مرتفع اخذ شده (جوهری، ۱۴۰۷: ۳/۸۹۹؛ فیروزآبادی، ۱۴۲۶: ۵۲۷) و به خروج زوج یا زوجه از طاعت واجب بر ایشان نسبت به دیگری، نشوز اطلاق می گردد (نجفی، ۱۴۳۲: ۳۱/۲۰۰).

مرتضی (حسینی اشکوری، ۱۴۰۵: ۲۳۳/۱)، ابن ادریس حلی (۱۴۱۰: ۶۰۶/۲) و ابن زهره (حلبی، ۱۴۱۷: ۳۶۱) نیز بر کراهت استوار بوده و حتی شیخ طوسی ادعای اجماع در این مسأله نموده است (شیخ طوسی، ۱۴۰۷: ۳۳۸/۴). از طرف دیگر، برخی فقهای متقدم همچون شیخ صدوق در من لایحضره الفقیه - که معمولاً روایت موافق با فتوای خویش را در آن آورده است - با استناد به روایت حرمت محاش - پسین - زنان امت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله بر مردان امت (شیخ صدوق، ۱۴۱۳: ۴۶۸/۳)، صاحب الوسیله (ابن حزه، ۱۴۰۸: ۳۱۳) و شیخ ابوالفتوح کراجکی بنا بر آن چه فاضل آبی در کشف الرموز به ایشان نسبت داده (فاضل آبی، ۱۴۰۸: ۱۰۵/۲) نظر خود را بر حرمت این شکل از رابطه زناشویی استوار نموده اند. نظر اکثر فقهای عامه نیز بنا بر آن چه شهید ثانی در مسالک نقل نموده اند، حرمت این شکل از آمیزش می باشد (شهید ثانی، ۱۴۱۳: ۵۸/۷).

۲-۱- دلایل موافقین و مخالفین

هر کدام از موافقین یا مخالفین مشروعیت بر درستی نظر خویش دلایلی از قرآن و روایت را اقامه نموده اند که به اختصار برخی از مهم ترین آنها را بیان می نمایم:

۲-۱-۱- دلایل قرآنی

آیه ۲۲۲ سوره بقره که درباره مسأله عادت زنانگی و محرّمات آن می باشد یکی از دلایل قائلین به مشروعیت بوده و شاهد ایشان، بخشی از آیه است که می فرماید: «فاعتزلوا النساء فی المحیض» و محیض در اینجا به معنای اسم مکان است (محقق حلی، ۱۴۰۸: ۲۲۴/۱). اگر محیض را به مکان حیض ترجمه نمایم، ظاهر آیه این طور می شود که در ایام حیض بایستی از رابطه جنسی متعارف اجتناب نمود و در این صورت مفهومش این است که در غیر موضع حیض، ممنوعیت برای رابطه جنسی در این ایام وجود ندارد و وقتی رابطه نامتعارف در ایام عادت زنانگی مجاز است، به طریق اولی در غیر این ایام نیز جایز می باشد. آیه دیگر که موافقین مشروعیت بر نظر خود اقامه نموده اند فرازی از آیه ۲۲۳ سوره بقره است که می فرماید: «نسانکم حرث لکم فأتوا حرثکم

آنی شتم» و محلّ استشهاد، کلمه «آنی» می باشد که آن را به معنای «کیف» و «آین» گرفته اند (سید مرتضی، ۱۴۱۵: ۲۹۴) یعنی: «زنان شما کشتزار شما هستند و هرگونه که می خواهید یا از هر جا که می خواهید به کشتزار خویش وارد شوید».

مخالفین مشروعیت نیز برای اثبات مدعای خویش آیاتی از قرآن را مورد استفاده قرار داده اند و نکته قابل تأمل، استناد ایشان به آیاتی است که مورد استناد موافقین مشروعیت نیز قرار گرفته است. برخی به استدلال مخالفین از معنا نمودن «آذی» به آلودگی و کثیفی در فقره ای از آیه ۲۲۲ سوره بقره (یسالونک عن المحیض قل هو آذی فاعتزلوا النساء فی المحیض) و تصریح به شدت بیشتر آلودگی در وطی در دبر، اشاره نموده اند (فاضل هندی، ۱۴۱۶: ۲۶۸/۷) و برخی نیز استناد به معنای مکانی «آنی» در آیه ۲۲۳ سوره بقره را زیر سؤال برده و آن را زمانیه دانسته اند (خوئی، ۱۴۰۷: ۱۳۱/۱؛ طباطبائی حکیم، ۱۳۹۱: ۶۳/۱۴) و همچنین برای ممنوعیت، استدلال به بخشی از آیه ۲۲۲ سوره بقره نموده اند که می فرماید: «فاتوهن من حیث امرکم الله» و قید «من حیث امرکم الله» در این بخش از آیه را هرچند فاقد مفهوم می دانند اما آمدن آن را لغو ندیده و برای احتراز از اتیان و روی آوردن به زنان به شکل مطلق دانسته اند و در حقیقت گویی اتیان بر دو قسم شده است: اتیان جایز که همان زناشویی متعارف است؛ و اتیان غیر مجاز که تنها مصداقش آمیزش نامتعارف یا همان وطی در دبر است (خوئی، ۱۴۰۷: ۱۳۲/۱).

۲-۲-۱- دلایل روایی

روایاتی که بر جواز یا عدم جواز این شکل از آمیزش وارد شده است در دو دسته کلی روایات مجوزّه با تعبیری همچون: «نعم ذلك له» (حرّ عاملی، ۱۴۱۴: ۱۴۵/۲۰)، «أحلّتها آیه من کتاب الله عزّ و جلّ» (همان، ۱۴۱۴: ۱۴۶/۲۰)، «هو احد المائین» (همان، ۱۴۱۴: ۱۴۷/۲۰)، «ذلك لك» (همان، ۱۴۱۴: ۱۴۷/۲۰)، «لا بأس به» (همان، ۱۴۱۴: ۱۴۸/۲۰) و روایات ناهیه با تعبیری همچون: «مَحَاشُ النِّسَاءِ عَلٰی أُمَّتِي حَرَامٌ» (همان، ۱۴۱۴: ۱۴۲/۲۰)، «لَا يُفْرِثُ أَى لایَاتِي مِنْ غَيْرِ هَذَا الْمَوْضِعِ» (همان، ۱۴۱۴: ۱۴۲/۲۰)،

«هی لعبتک فلا تؤذها» (همان، ۱۴۱۴: ۱۴۳/۲۰)، «ایاکم و محاش النساء» (همان، ۱۴۱۴: ۱۴۴/۲۰) قابل دسته بندی می باشد^۱ و هرچند برخی از روایات هر دو دسته ضعیف یا مرسل می باشند اما وقتی مجموع روایات ملاحظه می شود، می توان قطع به صدور آنها از معصوم علیه السلام پیدا نمود. البته در میان روایات جواز و نهی، روایتی نیز از ابن ابی یعفرور به سه صورت - که یک صورت مرفوعه می باشد - نقل شده (حرّ عاملی، ۱۴۱۴: ۱۴۶/۲۰ و ۱۴۷/۲۰) و در یک نقل، شرط جواز، منوط به رضایت زوجه گردیده است (همان، ۱۴۱۴: ۱۴۶/۲۰) و در حقیقت، این روایت برخلاف روایاتی که حکم به جواز مطلق یا نهی مطلق نموده اند، قائل به تفصیل شده و شرط مشروعیت را وجود رضایت در زوجه دانسته است.

از آنجا که جمع بین روایات متعارض تا آنجا که امکان داشته باشد بر طرح و کنار گذاشتن آنها اولویت دارد بنابراین فقها راه هایی را برای جمع بین این روایات ارائه داده اند. شیخ طوسی جمع بین روایات را با حمل روایت معمر بن خلّاد - که نهی از این عمل نموده و گویی ایشان تنها این روایت را از روایات مانعه صحیح دانسته اند - بر تفسیر امام علیه السلام از مستند جواز این عمل و نه در مشروعیت اصل عمل، بیان داشته است؛ یعنی امام علیه السلام می خواهند بفرمایند آن چه اهل مدینه به عنوان مستند قرآنی مشروعیت آمیزش نامتعارف با زوجه آورده اند (نسائکم حرث لکم فاتوا حرثکم آتی شتم) در واقع، در ردّ اعتقاد قوم یهود درباره شکل انعقاد نطفه و آثار آن در ولادت فرزند بوده و نسبت به الوطی فی دبر الزوجه، ساکت است (شیخ طوسی، ۱۳۹۰: ۲۴۵/۳). ملاحظه نراقی روایت جواز را بر واقع و روایت معمر بن خلّاد را بر تقیّه حمل نموده است (نراقی، ۱۴۱۵: ۷۲/۱۶). صاحب جواهر نیز بر اساس قید «جواز این کار مشروط بر رضایت زوجه» که در روایت ابن ابی یعفرور آمده بود (حرّ عاملی، ۱۴۱۴: ۱۴۶/۲۰) راه

۱. برای آشنایی بیشتر مراجعه شود به: بررسی و تحلیل روایات وارده پیرامون وطی غیر متعارف، رضوان طلب، محمدرضا و موسوی جوردی، طیبه سادات، فصلنامه مطالعات فقه و حقوق اسلامی، شماره ۲۴، ص ۱۱۵-۱۴۲.

جمع بین روایات را به حمل روایات منع بر صورت عدم رضایت زوجه و جواز فعل را مستند به صورت رضایت زوجه دانسته است (نجفی، ۱۴۳۲: ۱۰۸/۲۹)؛ آیه الله خوئی ابتداء امکان جمع عرفی بین روایات را منتفی و رجوع به قرآن را لازم دانسته و بر طبق برداشت خود از آیه قرآن، حکم به عدم جواز نموده است (خوئی، ۱۴۰۷: ۱۳۵/۱) و در ادامه بیان داشته که امکان دارد با استناد به روایت ابن ابی یعفر بتوانیم روایات جواز را بر صورت رضایت زوجه و روایت منع را بر صورت عدم رضایت زوجه حمل نمائیم؛ البته در صورت جواز نیز به دلیل روایات ناهیه، حکم به کراهت می نمائیم (همان، ۱۴۰۷: ۱۳۵/۱).

اینها بخشی از راه حلّ فقها برای جمع بین روایات وارده در این مسأله بود، اما آن چه که در این میان به نظر می رسد این است که اگر جمع بین روایات مجوّزه و مانعه ممکن نگردید و کار به تعارض و تساقط روایات انجامید، ترجیح با روایات مجوّزه می باشد، به دلیل این که هم شهرت فقهای امامیه بر آن استوار است و هم مخالفت با نظر عامّه در آن محرز و ثابت می باشد و هر دو مورد، از جمله مرجّحات در باب تعادل و ترجیح می باشد.

۲- نسبت سنجی رابطه نامتعارف و تمکین

سؤال اصلی در این مقاله، لزوم یا عدم لزوم تمکین توسط زوجه نسبت به درخواست رابطه نامتعارف از سوی زوج می باشد. یعنی اگر چنین درخواستی از سوی زوج صورت گرفت و زوجه عذر موجّهی همچون بیماری، ضرری بودن درخواست، وقوع در عسر و حرج، دخول در احرام، روزه واجب، ایام عادت زنانگی (شیخ طوسی، ۱۳۸۷: ۳۱۷/۴؛ حلبی، ۱۴۱۷: ۳۶۳؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۷: ۴۴۰/۳) یا هر عنوان دیگری که رافع اجابت چنین درخواستی می شود، نداشت و در عین حال اجابت نکرد ناشزه شده است؟^۱

۱-۲- اقوال موجود

۱. این نشوز از ناحیه زن آثاری دارد که یکی از آن آثار عدم تعلق نفقه به او می باشد (فاضل هندی، ۱۴۱۶: ۵۷۶/۷).

صاحب عروه، قبول وقوع نشوز را به بعضی از فقها نسبت داده است اما پذیرش چنین سخنی را مشکل دانسته و آن را از استمتاعی نمی داند که جزو حقوق شوهر شمرده شده و تمکین آن واجب باشد (طباطبائی یزدی، ۱۴۱۹: ۵/۵۰۴)؛ سید حکیم این «بعض» را تنها صاحب جواهر به شمار آورده است (طباطبائی حکیم، ۱۳۹۱: ۱۴/۶۴) اما به نظر می رسد این رأی و نظر اولاً، تنها به صاحب جواهر اختصاص نداشته و ثانیاً، قائلین به آن از حدّ «بعض» فراتر بوده و حتی طبق نظر برخی از فقها، وقوع نشوز در چنین شرایطی قول مشهور دانسته شده است (فیض کاشانی، ۱۴۰۱: ۲/۲۹۵). یحیی بن سعید در بحث نفقه، از عدم تعلق نفقه به زوجه ای سخن گفته که صرفاً تمکین به آمیزش متعارف می نماید (حلی (یحیی بن سعید)، ۱۴۰۵: ۴۸۷) و بحث عدم تعلق نفقه به جهت ناشزه شدن می باشد. علامه در قواعد، تمکین متعارف و ممانعت از رابطه نامتعارف را موجب اسقاط نفقه (حلی (علامه)، ۱۴۱۹: ۳/۱۰۳) و تحقق نشوز (همان: ۳/۱۰۸) بر شمرده است. فاضل مقداد نیز تمکین را به اجابت خواسته های زوج - متعارف و نامتعارف - در هر زمان و مکانی که شرعاً و عرفاً مجاز باشد، دانسته است (فاضل مقداد، ۱۴۰۴: ۳/۲۷۷). محقق حلی تمکین کامل را به طور مطلق در اجابت خواسته های زوج در هر زمان و مکانی دانسته است که استمتاع مجاز باشد (محقق حلی، ۱۴۰۸: ۲/۲۹۱)؛ شهید ثانی در توضیح کلام محقق حلی، مراد از مکان را یا مکان های مجاز دانسته که ممنوعیت آمیزش در آن نیست و یا مقصود از مکان را هر قسمتی از بدن شمرده است که بهره مندی از مجاز است و هر دو مورد را در تمکین معتبر دانسته است (شهید ثانی، ۱۴۱۳: ۸/۴۳۹-۴۴۰). صاحب ریاض، امتناع از آمیزش نامتعارف در حال حیض را - اگر ممنوع بدانیم - باعث نشوز و عدم سقوط نفقه نمی داند (طباطبائی، ۱۴۱۸: ۱۲/۱۶۸) و مفهوم سخن ایشان این است که اگر منع از این کار نکنیم، امتناع باعث نشوز می گردد. فاضل هندی در کشف اللثام در شرح عبارت قواعد، امتناع بدون عذر از آمیزش نامتعارف را باعث سقوط نفقه دانسته و بدان متمایل است، هر چند احتمال عدم سقوط را هم داده است (فاضل هندی،

۱۴۱۶: ۵۵۸/۷؛ صاحب جواهر نیز سقوط نفقه در صورت امتناع بدون عذر از آمیزش نامتعارف را قوی ترین وجه در میان وجوه مطرح دانسته است (نجفی، ۱۴۳۲: ۳۱/۳۰۳). در میان فقهای متقدم نیز اطلاق عبارات ابوالصلاح در الکافی (حلبی، ۱۴۰۳: ۲۹۴) و ابن زهره در غنیه النزوع (ابن زهره، ۱۴۱۷: ۲۵۲) نسبت به اطاعت زوجه از زوج که فقط با حرمت اطاعت در معصیت مقید می شود، قول به اطاعت و تمکین نسبت به چنین درخواستی از منظر ایشان را تقویت می نماید. ابن برّاج، نفقه را در صورت تسلیم کامل زوجه در برابر زوج به شکل مطلق واجب دانسته و اگرچه این اطلاق را با تسلیم مکانی و زمانی مثال می زند (ابن برّاج، ۱۴۰۶: ۲/۳۴۷) اما قید «علی الاطلاق» در عبارت او می تواند هر چیزی را که شرعاً جایز می باشد، شامل شود. علاوه بر اینها عباراتی مانند «فیشرط فی وجوب نفقتها شرطان: العقد الدائم، فلا نفقه لمستمتع بها و التمکین الکامل فلا نفقه للناشزه» (حلی (محقق)، ۱۴۱۰: ۱۹۵)، «تستحق النفقه بالطاعه و التمکین من الاستمتاع و یسقط بالعصیان و المنع من الاستمتاع» (طوسی، ۱۳۸۷: ۴/۳۲۸) و «یجب علی الزوجه التمکین من الاستمتاع، و تجنب المنفر» (حلی (علامه)، بی تا: ۲/۳۳) نشان می دهد تمکین زوجه - در غیر شرایط معذوریّت - نسبت به آمیزش متعارف و نامتعارف واجب بوده و امتناع از آن موجب تحقق نشوز می گردد. بنابراین بر خلاف آن چه صاحب عروه آورده اند قول به نشوز، قول نادری نبوده و تکثر قائلین به آن موجب شهرتی به اندازه شهرت قائلین به «عدم وجوب تمکین» و «ناشزه نشدن زوجه با عدم اجابت خواسته جنسی نامتعارف زوج»، گردیده است و طبعاً بایستی دید وجوه ناظر بر قول سید صاحب عروه و عدم وجوب اجابت چنین درخواستی، چیست و چه مقدار توانایی بر اثبات این مدعا را دارد؟

۲-۲- دلایل وجوب یا عدم وجوب تمکین در رابطه نامتعارف

۲-۲-۱- دلایل عدم وجوب تمکین

قائلین به عدم وجوب تمکین به دلایلی استناد جسته اند که ذیلاً مورد بررسی قرار می گیرد.

دلیل اول: روایت ابن ابی یعفور

مهم ترین دلیلی که می توان بر عدم تحقّق نشوز با امتناع از اجابت چنین درخواستی اقامه نمود، روایت ابن ابی یعفور می باشد. این روایت همان طور که پیشتر بیان داشتیم به سه صورت نقل گردیده که یک صورت آن مرفوعه بوده (حرّ عاملی، ۱۴۱۴: ۱۴۷/۲۰) و در دو نقل دیگر که سند قابل اتکایی دارند، در یکی این طور آمده است: «و عنه، عن علی بن اسباط، عن محمد بن حرمان، عن عبدالله بن ابی یعفور قال: سدلّت ابا عبدالله علیه السلام عن الرجل یأتی المرأه فی دبرها؟ قال: لا بأس اذا رضیت» (حرّ عاملی، ۱۴۱۴: ۱۴۶/۲۰) و حضرت، جواز عمل را مشروط به رضایت زوجه فرموده اند و در دیگری آمده است: «و عنه، عن معاویه بن حکیم، عن احمد بن محمد، عن حماد بن عثمان، عن ابن ابی یعفور قال: سألت ابا عبدالله علیه السلام عن الرجل یأتی المرأه فی دبرها؟ قال: لا بأس به» (حرّ عاملی، ۱۴۱۴: ۱۴۷/۲۰).

حال سؤال اینجاست که در مواجهه با این روایت چه بایستی انجام داد؟

- روش اول: شیوه صاحب جواهر

یک راه و مسیر، مسیری می باشد که صاحب جواهر برگزیده است. ایشان در مواجهه با مجموع روایات مجوّزه و ناهیه در این باب و به منظور جمع بین روایات، از روایت ابن ابی یعفور استفاده نموده و بیان می دارند که می توان روایات دالّ بر جواز را حمل بر صورت رضایت زوجه و روایات دالّ بر نهی را حمل بر صورت عدم رضایت نمود (نجفی، ۱۴۳۲: ۱۰۸/۲۹) و بر این روش جمع، دو موید نیز می آورند: یکی روایتی که به خاطر ایذاء و ناراحتی زوجه از این عمل نهی نمود (حرّ عاملی، ۱۴۱۴: ۱۴۳/۲۰) و وقتی رضایت آمد یعنی دیگر آزرده گی نیست؛ و موید دوم هم ماهیّت عقد نکاح می باشد که در آن زوجه در برابر مهریه و ملکیت حاصل از عقد نسبت به آن، منفعت بضع را در اختیار زوج قرار می دهد و معنای بضع همان محلّ متعارف از زوجه می باشد که در صورت معیوب بودن، حقّ خیار فسخ را ممکن می دارد (نجفی، ۱۴۳۲: ۱۰۸/۲۹).

سپس ایشان بر این راه جمع پیشنهادی خود ایراد گرفته و آن را فاقد قائل و نیز خلاف اجماع مرگب بر می شمرد (همان، ۱۴۳۲: ۱۰۸/۲۹)؛ یعنی آن دسته از فقها که فتوا به جواز عمل داده اند، به طور مطلق فتوا داده و قید رضایت را شرط ننموده اند و فقهایی که فتوای به عدم جواز داده اند نیز به طور مطلق فتوا داده اند و در میان فتاوا، فتوای سوّمی که مقید به قید رضایت باشد، وجود ندارد.

اگر کسی بگوید: اشکال صاحب جواهر از جهت خرق اجماع مرگب، اشکال واردی نیست، چرا که می توان اینگونه فرض نمود که روایات جواز و نهی در مقام سؤال از اصل عمل و حکم ذاتی آن - جواز یا حرمت - بوده اند و نه در مقام سؤال از شروط و قیود دخیل در حکم، در پاسخ می گوئیم: عبارات موجود در روایات جواز نظیر «ذلک لک: این عمل از آن توست»، «نعم ذلک له: بله این عمل از آن اوست» و «هو احد الماتین: این یکی از دو راه اتیان است» در مقام بیان و تخطب بوده و بعید می نماید که اهل بیت علیهم السلام در پاسخ به سؤال سائل صرفاً به بیان اصل حکم - آن هم فارغ از شروط حکم اکتفا نموده باشند؛ زیرا این اغراء به جهل سائل محسوب می شود. آیه الله خوئی با اضافه نمودن قید «کراهت حتی در صورت رضایت زوجه»، نظر صاحب جواهر در جمع بین روایات را تأیید نموده و دلیل آن را هم عدم تمایل اهل بیت علیهم السلام به انجام چنین کاری می داند (خوئی، ۱۴۰۷: ۱۳۵/۱). البته به نظر می رسد حکم به کراهت حتی با وجود رضایت زوجه با استناد به عدم تمایل اهل بیت نسبت به انجام چنین کاری، صحیح نباشد، زیرا چه بسا ایشان با توجه به جایگاه و شأن خود از چنین عملی اجتناب می نمودند و این رعایت مناسبات جایگاه و مقام معنوی، دلیلی بر تسری حکم کراهت به سایر افراد نیست.

روش دوم: توجه به وحدت یا تعدد روایت ابن ابی یعفر

مسیر دوم در مواجهه با روایت ابن ابی یعفر، توجه به وحدت یا تعدد این روایت می باشد؛ یعنی روایت فاقد قید با روایت واجد قید، یکی بوده و اختلاف در نسخه وجود دارد و در واقع، سه روایت، حکایت از یک واقعه می نمایند یا این که هر کدام یک

روایت بوده و اختلاف در دو روایت است. مرحوم آیه الله بروجردی طبق آن چه که از تقریرات کتاب صلاه ایشان نقل شده است متمایل به این معنا بوده اند که وقتی روایتی به شکل های گوناگون توسط راوی واحد نقل گردید در واقع این نقل ها، صورت های مختلف از یک روایت بوده اند و بعید است یک راوی سؤال واحدی را از امام علیه السلام چند بار پرسیده باشد. ایشان نقل به معنا از یک واقعه یا موضوع واحد توسط راوی یا راویان را امری محتمل شمرده و منشأ آن را نیز اختلاف فهم و متداول بودن نقل معنای فرمایش معصوم دانسته و به این مطلب در بخش های مختلف بحث صلاه اشاره داشته اند (بروجردی، ۱۴۲۰: ۳۱۸/۱-۴۳۴-۴۴۵-۴۷۵؛ ۱۶۳/۲-۱۸۹-۱۹۸) آن هم در مثل چنین سؤالی که سائل معمولاً دچار یک شرم و حیای طبیعی نیز می باشد. شاهد بر این معنا هم یکی بودن راوی و سائل و مورد سؤال می باشد. حال اگر بپذیریم که سه روایت در واقع یک روایت است نوبت به این می رسد که سؤال کنیم در چنین مواقعی چه باید کرد؟ به طور طبیعی در چنین شرایطی بایستی از این بحث کنیم که «اذا رضیت» که در یکی از دو نقل معتبر آمده، زائد بر پاسخ امام علیه السلام است یا جزئی از پاسخ حضرت بوده و روایتی که این قید را نیاورده است حمل بر آن می شود؟ پاسخ به این پرسش، بازگشت به بحثی می نماید که فقها و اصولیون نوعاً ذیل مباحث مرتبط با قاعده «لاضرر» از آن سخن به میان آورده اند که آیا در روایت لاضرر، قید «فی الاسلام» هم جزئی از روایت می باشد یا خیر؟ (خمینی، ۱۴۱۰: ۲۶/۱؛ صدر، ۱۴۰۸: ۵۰۸/۴؛ سیستانی، ۱۴۱۴: ۹۵) و در پاسخ به این سؤال بحث از دوران امر بین اصالت عدم زیاده و اصالت عدم نقیصه نموده اند. اصالت عدم نقیصه، نادیده گرفتن احتمال نقص در کلام را گویند - و معنایش در اینجا، اضافی بودن قید «اذا رضیت» به عنوان توضیح راوی می باشد - و اصالت عدم زیاده یعنی نادیده گرفتن احتمال اضافه نمودن در کلام - و معنایش در اینجا جزئی از روایت بودن قید «اذا رضیت» است - و در دوران بین این دو، بنای عقلاء بر تقدیم اصالت عدم زیاده بر عدم نقیصه استوار گردیده است (موسوی بجنوردی، ۱۳۷۷:

۲۱۳/۱؛ خمینی، ۱۴۱۰: ۲۶/۱) و شهید صدر این تقدیم را به مشهور نسبت داده است (صدر، ۱۴۰۸: ۵۰۸/۴). شاید وجه تقدیم عدم زیاده بر عدم نقیصه، ملاحظه وثاقت راوی و اجتناب او از انتساب هر حرف زائد بر فرمایش معصوم علیه السلام است و به تعبیر آیه الله سید محمد تقی حکیم، این بنای عقلاست، زیرا مردم غالباً در نقیصه تسامح داشته و آن چه مورد نیازشان هست را از کلام دیگران استفاده می کنند، اما در زیاده این تسامح کمتر است، زیرا در این کار، نوعی کذب و افترا بوده و قابل تسامح نمی باشد (حکیم، ۱۴۲۹: ۸۰). البته برخی نیز تقدیم اصالت عدم زیاده بر عدم نقیصه را مرتبط با بنای عقلاء ندانسته و مناط و ملاک را حصول اطمینان به واسطه قرائن دانسته اند که ای بسا منتهی به تقدیم عدم نقیصه بر عدم زیاده گردد و لذا در چنین شرایطی و با عدم حصول اطمینان نسبت به یک طرف، حکم به تعارض و تساقط نموده اند (مکارم شیرازی، ۱۴۲۸: ۲۳۱/۳) و نیز این بنای عقلائی را مادامی معتبر دانسته اند که منتهی به تعارض میان دو اصل نشده باشد و در صورت تعارض، تقدیم عدم زیاده بر عدم نقیصه را به طور مطلق صحیح ندانسته اند بلکه آن را تابعی از ملاحظه موارد به شمار آورده اند (صافی، ۱۴۲۳: ۴۰/۱). برخی فقها نیز این اصول را از امور ظنیّه و استحسانیه شمرده که حجّت شرعی بر تقدیم یکی بر دیگری وجود ندارد (حسینی شاهرودی، بی تا: ۱۷۷/۱). روایت ابن ابی یعفور از همین باب می باشد، زیرا از یک سو، وجود یا عدم وجود قید «اذا رضیت» نقش مهمّی در تضییق یا توسعه حکم آمیزش نامتعارف ایجاد می نماید و از سوی دیگر، زیاده یا عدم زیاده بودن قید مشکوک است و همان طور که احتمال عدم زیاده نزد عقلاء احتمال موجّهی است، احتمال عدم نقیصه نیز در جای خود بین عقلاء قابل تأمل و تأنی می باشد؛ بنابراین در اینجا بایستی حکم به تعارض و تساقط دو روایت نموده و به دنبال راه حلّ دیگری غیر از دوران بین دو اصل و تقدیم اصل عدم زیاده بر عدم نقیصه گشت. آیه الله سیستانی در «رساله لاضرر» مقتضای قاعده اوّلی را اعمال قواعد باب تعارض و ترجیح یکی از زیاده یا نقصان بر دیگری و در صورت عدم ترجیح، حکم به تساقط نمودن، دانسته اند (سیستانی، ۱۴۱۴: ۹۵) ایشان تقدیم اصالت عدم زیاده بر عدم نقیصه مبتنی بر

اصل ثانوی و به دلیل بیشتر بودن احتمال غفلت در نقل در جانب نقیصه نسبت به زیاده و در نتیجه ترجیح عدم زیاده بر عدم نقیصه را وارد ندانسته و عنصر غفلت را تنها عنصر مؤثر در نقص و زیاده نمی‌شمرند و اساساً این ترجیح را از امور ظنی شمرده که دلیلی بر حجیت آن نیست (سیستانی، ۱۴۱۴: ۹۷) و در نهایت، بنای عقلاء را به قیام قرائن موثق و اطمینان ساز دانسته و نیز اکثری بودن ترجیح جانب عدم زیاده بر عدم نقیصه نزد ایشان را معتبر نشموده و شاهد بر این عدم اعتبار را اختلاف علمای عامه و امامیه در این مسأله و تقدیم عدم زیاده بر عدم نقیصه دانسته‌اند (سیستانی، ۱۴۱۴: ۹۹).

همه این بحث‌ها در صورتی است که ما قائل به وحدت روایت باشیم، اما اگر قائل به تعدد روایت شویم بحث داخل در مباحث مطلق و مقید خواهد گردید و در این صورت بایستی مبتنی بر روش جاری در بحث اطلاق و تقیید، اطلاق روایات جواز را حمل بر صورت مقید نمود؛ یعنی این قول را برگزینیم که این شکل از رابطه تنها در صورتی مجاز می‌باشد که رضایت زوجه وجود داشته باشد. البته این حمل در صورتی صحیح است که محظوری برای حمل مطلق بر مقید وجود نداشته باشد؛ زیرا هر چند نظر مشهور در بحث اطلاق و تقیید، حمل مطلق بر مقید می‌باشد اما این حمل در صورتی صحیح است که اباء و امتناعی از تقیید مطلق نباشد. از این امتناع بیشتر در بحث عام و خاص سخن به میان آمده و در مواردی مانند علت عقلی داشتن حکم عام (شیخ انصاری، ۱۴۱۹: ۸۵/۲)، در مقام حصر قرار گرفتن عام (شیخ انصاری، ۱۴۱۹: ۸۵/۲ و ۱۳۲)، امتنانی بودن عام (مکارم شیرازی، ۱۳۷۳: ۲۵۶/۳) و تخصیص اکثر (موسوی قزوینی، ۱۴۲۷: ۵۴۲/۷)، عام آبی از تخصیص دانسته شده است، اما به نظر می‌رسد بحث از ابای مطلق از تقیید نیز به همین وزن بوده و اساساً چهارچوب و ضابطه امتناع در بحث عام و مطلق، یکسان می‌باشد و این امتناع، از عبارات برخی بزرگان قابل استفاده می‌باشد (شیخ انصاری، ۱۴۱۹: ۳۳۴/۳؛ صدر، ۱۴۰۸: ۴۷۹).

در روایت ابن ابی یعفور نیز می توان به همین امتناع در قامت «استهجان تقیید مطلق» استناد نمود، زیرا به تعبیر برخی از محققین، هرچند اقتضای کلام قوم در جایی که مطلقات فراوانی وارد شده و سپس مقید آمده، حمل مطلق بر مقید می باشد اما این جمع، در صورتی صحیح است که عرف نسبت به آن همراهی نموده و منجر به لغویت مطلقات و استهجان آنها نگردد (خمینی، ۱۴۱۸: ۴۸۹/۵-۴۹۰). به عنوان مثال مرحوم شیخ انصاری در بحث استصحاب به روغن نجس، تقیید اطلاق روایات را به واسطه روایتی که شیخ طوسی در مبسوط نقل کرده و استصحاب را مقید به زیر آسمان بودن نموده است (شیخ طوسی، ۱۳۸۷: ۲۸۳/۶) قابل قبول ندانسته است، زیرا روایات مطلق متعدد است و امام علیه السلام هم در مقام بیان بوده و مسأله هم محل ابتلاء می باشد و با این حال، قیدی آورده نشده است؛ بنابراین نمی توان مطلق را بر مقید حمل نمود (شیخ انصاری، ۱۴۱۵: ۷۸/۱).

در مسأله مورد بحث نیز از آنجا که عبارت امام علیه السلام در مقام بیان و پاسخ به ابن ابی یعفور بوده و نیز اغراء به جهل مخاطب و آگاه نمودن او با بیان حکم کلی بدون بیان ضوابط و شرایط حکم، عقلاً قبیح است بنابراین نمی توان با یک روایت، اطلاق روایات ابن ابی یعفور (در صورت قول به تعدد روایت) را مقید نمود. غایت امر در این مسأله، استحباب جلب رضایت زوجه در این صورت از آمیزش می باشد مگر این که زوجه از این ناحیه، متحمل ضرر، حرج و محظوری شود که در این صورت، حکم این شکل از آمیزش از اساس عدم جواز می باشد.

دلیل دوم: ممنوعیت های پزشکی

رابطه نامتعارف نه تنها از سوی هیچ پزشکی توصیه نگردیده و دلیلی بر سالم و بی ضرر بودن آن اقامه نشده است بلکه بنابر مشاهدات و نیز تحقیقات پزشکی، عوارض و آسیب هایی را در پی خود می آورد که سلامت جسمی و روانی زوجه را به مخاطره می اندازد. از جمله آسیب های جسمی می توان به: «از دست دادن حساسیت های عصبی عضلات حلقوی موجود در مقعد که به دلیل ماهیت فیزیولوژیک و ساختار ارادی این

پیامبر اکرم رسیده و از حقّ زوج بر زوجه سؤال نمود و حضرت در پاسخ او را به اموری از جمله اطاعت و عدم عصیان زوج و اجابت خواسته های جنسی او ولو بر پشت کوهان شتر سفارش نمودند (حرّ عاملی، ۱۴۱۴: ۱۵۷/۲۰) که این تعبیر، حکایت از شدت اهمیّت توجه به این بخش از خواسته های زوج می باشد. در روایت دیگری امام صادق علیه السلام از قول پیامبر اکرم نقل می فرمایند که حضرت در پاسخ خانمی که از حقوق زوج بر زوجه سؤال نمود، ابتدا فرمودند این امور بسیار است و سپس ضمن برشمردن برخی از آنها، عرضه زوجه بر زوج در هر ساعت از روز یا شب را ذکر فرمودند (حرّ عاملی، ۱۴۱۴: ۱۵۸/۲۰)؛ همچنین ابوبصیر از امام صادق علیه السلام از پیامبر اکرم صلوات الله علیه و آله نقل می کند از جمله حقوق زوج بر زوجه، اجابت خواسته های جنسی زوج حتی بر پشت شتر می باشد (همان، ۱۴۱۴: ۱۵۸/۲۰) و این تعبیر همان طور که بیان شد حکایت از اهمیّت این اجابت دارد. مثل این تعبیر در روایات دیگر نیز از حضرت آورده شده است (همان، ۱۴۱۴: ۱۷۵/۲۰).

در نقد این دلیل فارغ از ضعف سندی برخی روایات وارده می توان این طور بیان داشت که نکات وارد شده در مجموع روایات، همگی در یک سطح نبوده و وجوب برخی از حقوق زوج بر زوجه در مخالفت با شریعت آسان گیر است (مکارم شیرازی، ۱۴۳۲: ۲۸۹/۳)؛ برخی از حقوق مانند استعمال بهترین عطرها، پوشیدن بهترین لباس ها و تزئین به زیباترین زینت ها صرفاً ظهور در امر مستحبّ دارند (همان، ۱۴۳۲: ۲۸۹/۳) و برخی از حقوق نیز در مخالفت با اصل کلی لزوم معاشرت همراه با نیکی نسبت به زوجه می باشد (همان، ۱۴۳۲: ۲۹۲/۳) برخی فقها نیز این دسته از روایات را شامل امور واجب و غیر واجب شمرده اند (خوانساری، ۱۴۰۵: ۴۲۳۵/۴).

دلیل دوم: آیه ۲۲۳ سوره بقره

یکی دیگر از دلایلی که بر لزوم تمکین در برابر هر شکلی از خواسته جنسی زوج می توان اقامه نمود، بخشی از آیه ۲۲۳ سوره بقره است که می فرماید: «نساءکم حرث لکم فاتوا حرثکم انّی شتتم: زنان شما کشتزار شما هستند، هر گونه که می خواهید وارد

کشتزار خود شوید؛ و این بهره مندی مطلق بوده و هر دو قسم از رابطه متعارف و غیرمتعارف را شامل می شود.

در نقد این دلیل بایستی گفت اولاً، برداشت فقها از واژه «آنی» یکسان نبوده و تاب تفاسیر مختلف دارد. برخی آن را واجد معنای مکانی دانسته اند (علم الهدی، ۱۴۰۵: ۲۳۳/۱؛ روحانی، ۱۴۲۹: ۸۰/۲۱) بنابراین برداشت هر نوع رابطه جنسی با زوجه - متعارف باشد یا نامتعارف - جایز است. برخی این واژه را در معنای زمانی استعمال نموده و در نتیجه، رابطه جنسی صرفاً در غیر عادت ماهانه زوجه و تنها به شکل متعارف جایز می باشد (فاضل هندی، ۱۴۱۶: ۲۶۷/۷؛ خوئی، ۱۴۰۷: ۱۳۲/۱)؛ برخی دیگر نیز معنای مکانی و زمانی را توأمان به این واژه نسبت داده اند و در نتیجه، محدودیتی برای زوج در نوع رابطه جنسی قائل نشده اند (علامه حلی، ۱۴۱۰: ۶۰۷/۲).

ثانیاً، آیه در ادامه ممنوعیتی است که نسبت به رابطه زناشویی در ایام عادت زنانه آمده است و صرفاً جنبه رفع حظر داشته و خواه معنای «آنی» را زمانی و چه مکانی در نظر بگیریم، حقی را در استمتاع به شکل مطلق ثابت نمی کند؛ بنابراین بایستی به قدر متیقن از رابطه جنسی، یعنی رابطه متعارف اکتفا نمود (خوئی، ۱۴۰۷: ۱۳۲/۱).

دلیل سوم: روایت معمر بن خلّاد

از دیگر دلایلی که می توان بر جواز رابطه نامتعارف اقامه نموده و در نتیجه، آن را از حقوق زوج به شمار آورد و استنکاف زوجه را باعث تحقّق نشوز دانست، روایت معمر بن خلّاد از امام رضا علیه السلام می باشد که در ضمن آن، حضرت از نظر ایشان راجع به رابطه نامتعارف با زوجه سؤال می فرمایند و او پاسخ می دهد که به من اینگونه رسیده که اهل مدینه در آن اشکالی نمی بینند و حضرت می فرمایند که قوم یهود اعتقاد داشتند که اتیان از خلف زوجه موجب ولادت فرزند لوچ می شود و حقّ تعالی در مقام ردّ این اعتقاد آنها فرمود زنان شما کشتزار شما هستند و هرگونه که می خواهید به

کشتزار خود وارد شوید و رابطه از پشت را قصد ننموده است (حرّ عاملی، ۱۴۱۴: ۱۴۱/۲۰).

از این روایت استفاده می‌شود که مردم مدینه رابطه نامتعارف را جایز دانسته و آن را حقّ مرد دانسته و برای صحّت نظر خود به این آیه حرث استناد می‌نمودند. امام علیه السلام نیز تنها درستی تمسّک به آیه را ردّ فرمودند؛ بنابراین جواز و حقّ بودن آن مورد قبول ایشان بوده است.

به نظر می‌آید صحّت استدلال به این روایت برای حقّ شمردن رابطه نامتعارف و در نتیجه وقوع نشوز با امتناع زوجه از آن صحیح نباشد؛ زیرا به تعبیر شیخ طوسی هر چند امام علیه السلام تنها صحّت استناد به آیه را ردّ می‌فرماید (شیخ طوسی، ۱۳۹۰: ۲۴۵/۳) لکن با ردّ این مستند طبعاً حقّ بودن رابطه نامتعارف نیز ردّ می‌شود و چون آیه شریفه در مورد توالد و تناسل است فقط محلّ متعارف که پیشین زوجه باشد داخل در حقوق زوج می‌گردد.

نتیجه گیری

از مجموع آن چه که به عنوان دلایل موافقین و مخالفین و جوب تمکین زوجه در برابر زوج نسبت به رابطه نامتعارف به دست می‌آید روشن گردید که اتکاء به ادله ای مانند لزوم اطاعت از زوجه، آیه ۲۲۳ سوره بقره و استناد به کشتزار بودن زوجه و نیز روایت معمر بن خلّاد که موضوعش توالد و تناسل می‌باشد برای اثبات لزوم تمکین زوجه از زوج در اجابت رابطه نامتعارف جنسی، تاب ایستادگی در برابر روایت ابن ابی یعفر - با استناد به برداشت صاحب جواهر و نیز تعدّد نسخه های موجود از روایت و توجه به لزوم جلب رضایت زوجه برای رابطه و عدم وقوع ضرر و حرج نسبت به او - و نیز مضرات جسمی و روحی اثبات شده برای این نوع از رابطه در دانش پزشکی را نداشته و قول صحیح از میان فتاوی موجود، نظر آن دسته از فقهاست که تمکین زوجه از زوج در اجابت چنین خواسته ای را شرعاً واجب ندانسته اند.

منابع

- قرآن کریم.

- ابن ادریس حلی، محمد بن احمد (۱۴۱۰ق)، **السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی**، ج ۲، چ ۲، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- اصفهانی (فاضل هندی)، محمد بن حسن (۱۴۱۶ق)، **كشف اللثام و الابهام عن قواعد الاحكام**، ج ۲ و ۷، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- انصاری (شیخ)، مرتضی بن محمد امین (۱۴۱۹ق)، **فرائد الاصول**، ج ۲، قم: مجمع الفكر الاسلامی.
- انصاری (شیخ)، مرتضی بن محمد امین (۱۴۲۵ق)، **كتاب المكاسب**، ج ۱، چ ۷، قم: مجمع الفكر الاسلامی.
- بحرانی (صاحب حدائق)، یوسف بن احمد (۱۴۰۹ق)، **الحدائق الناضره فی احكام العترة الطاهره**، ج ۳، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- بروجردي، سيد حسين (۱۴۲۰ق)، **نهايه التقرير في مباحث الصلاه**، ج ۱ و ۲، قم: مركز فقهی ائمه اطهار عليهم السلام.
- جبعی عاملی (شهید ثانی)، زین الدین بن علی (۱۴۱۳ق)، **مسالك الافهام الى تنقيح شرائع الاسلام**، ج ۷ و ۸، قم: مؤسسه معارف اسلامی.
- جمعی از نویسندگان زیر نظر سید محمود هاشمی شاهرودی (۱۳۸۲)، **فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت عليهم السلام**، ج ۱ و ۵، قم: مؤسسه دائره المعارف اسلامی بر مذهب اهل بیت عليهم السلام.
- جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۴۰۷ق)، **الصّحاح تاج اللغه**، ج ۳ و ۴، بیروت: دار العلم للملايين.
- حرّ عاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۴ق)، **تفصیل وسائل الشیعه الى تحصیل مسائل الشریعه**، ج ۲ و ۲۰، قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام لاحیاء التراث.
- حسینی اشکوری، سید احمد (۱۴۰۵ق)، **رسائل الشریف المرتضی**، ج ۱، تهران: چاپخانه سید الشهداء علیه السلام.
- حسینی روحانی، سید محمد صادق (۱۴۲۹ق)، **فقه الصادق علیه السلام**، ج ۲۱، قم: هاتف.
- حسینی شاهرودی، محمود (بی تا)، **کتاب الحجّ**، ج ۱، تقریر: محمد ابراهیم جناتی، قم: انصاریان.
- حکیم، سید محمد تقی (۱۴۲۹ق)، **القواعد العامّه فی الفقه المقارن**، تهران: مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی.

- حلبی، سید حمزه بن علی بن زهره (۱۴۱۷ق)، **غنیة النزوع الی علمی الاصول و الفروع**، قم: مؤسسه امام صادق علیه السلام.
- حلبی (علامه)، حسن بن یوسف (بی تا)، **ارشاد الاذهان الی احکام الایمان**، ج ۲، قم: مؤسسه نشر اسلامی.
- حلبی (علامه)، حسن بن یوسف (۱۴۲۰ق)، **تحریر الاحکام الشرعیة علی مذهب الامامیه**، ج ۴، قم: مؤسسه امام صادق علیه السلام.
- حلبی (علامه)، حسن بن یوسف (۱۴۱۹ق)، **قواعد الاحکام**، ج ۳، ج ۱، قم: مؤسسه نشر اسلامی.
- حلبی (محقق)، جعفر بن حسن (۱۴۰۸ق)، **شرائع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام**، ج ۲، ج ۲، قم: اسماعیلیان.
- حلبی (محقق)، جعفر بن حسن (۱۴۱۰ق)، **المختصر النافع فی فقه الامامیه**، ج ۳، تهران: مؤسسه بعثت
- حلبی، یحیی بن سعید (۱۴۰۵ق)، **الجامع للشرایع**، ج ۱، قم: مؤسسه سیدالشهداء علیه السلام.
- خمینی (امام)، سید روح الله (۱۴۱۰ق)، **الرسائل**، ج ۱، قم: اسماعیلیان.
- خمینی، سید مصطفی (۱۴۱۸ق)، **تحریرات فی الاصول**، ج ۵، قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- خوانساری، سید احمد (۱۴۰۵ق)، **جامع المدارک فی شرح المختصر النافع**، ج ۴، ج ۲، تهران: صدوق.
- خوئی، سید ابوالقاسم (۱۴۰۷ق)، **کتاب النکاح**، ج ۱، قم: دار الهادی.
- راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسین بن محمد (۱۴۱۲ق)، **المفردات فی غریب القرآن**، بیروت: دار القلم.
- رضوان طلب، محمدرضا؛ موسوی جوردی، طیبه سادات (۱۴۰۰)، **بررسی و تحلیل روایات وارده پیرامون وطی غیر متعارف**، مطالعات فقه و حقوق اسلامی، ۲۴، ۱۱۵-۱۴۲.
- سیستانی، سید علی (۱۴۱۴ق)، **قاعده لاضرر و لاضرار**، قم: دفتر آیه الله سیستانی.
- صافی، شیخ لطف الله (۱۴۲۳ق)، **فقه الحج**، ج ۱، ج ۲، قم: مؤسسه حضرت معصومه سلام الله علیها.
- صدر (شهید)، سید محمدباقر (۱۴۰۸ق)، **مباحث الاصول**، ج ۴، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- صدوق (شیخ)، محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی (۱۴۱۳ق)، **من لایحضره الفقیه**، ج ۳، ج ۲، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- صفایی، حسین؛ امامی، اسدالله (۱۳۸۸)، **مختصر حقوق خانواده**، ج ۲۱، تهران: میزان.

- طباطبائی حکیم، سید محسن (۱۳۹۱ق)، **مستمسک العروه الوثقی**، ج ۱۴، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- طباطبائی یزدی (صاحب عروه)، سید محمد کاظم (۱۴۱۹ق)، **العروه الوثقی فیما تعم به البلوی**، ج ۵، ج ۱، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- طریحی، فخرالدین بن محمد (۱۳۸۱)، **مجمع البحرین و مطلع النیرین**، ج ۲ و ۴، تهران: مرتضوی.
- طوسی (ابن حمزه)، ابوجعفر عمادالدین بن علی (۱۴۰۸ق)، **الوسیله**، قم: کتابخانه آیه الله العظمی مرعشی نجفی (ره).
- طوسی (شیخ الطائفه)، محمد بن حسن (۱۴۰۰ق)، **النهایه فی مجرد الفقه و الفتاوی**، ج ۲، بیروت: دار الکتب العربیه.
- طوسی (شیخ الطائفه)، محمد بن حسن بن (۱۳۸۷ق)، **المبسوط فی فقه الامامیه**، ج ۴ و ۶، ج ۳، تهران: المکتبه المرتضویه.
- طوسی (شیخ الطائفه)، محمد بن حسن بن (۱۳۹۰ق)، **الاستبصار فیما اختلف من الاخبار**، ج ۳، قم: دار الکتب الاسلامیه.
- طوسی (شیخ الطائفه)، محمد بن حسن بن (۱۴۰۷ق)، **کتاب الخلاف**، ج ۴، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- فاضل آبی، حسن بن ابی طالب (۱۴۰۸ق)، **کشف الرموز**، ج ۲، قم: دار الحدیث.
- فیروزآبادی، محمد بن یعقوب (۱۴۲۶ق)، **القاموس المحیط**، ج ۸، بیروت: مؤسسه الرساله.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۳۰ق)، **الکافی**، ج ۱۱، قم: دار الحدیث.
- معین، محمد (۱۳۸۶)، **فوهنگ فارسی**، تهران: بهزاد.
- مفید (شیخ)، محمد بن محمد بن نعمان (۱۴۱۳ق)، **المسائل الطوسیه**، تحقیق: ابوالحسن علوی، قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید (ره).
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۷)، **انوار الفقهیه فی احکام العتره الطاهره**، ج ۳ و ۱، قم: مدرسه امام علی بن ابی طالب علیهما السلام.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۲۸ق)، **انوار الأصول**، ج ۳، ج ۲، قم: مدرسه الامام علی بن ابی طالب علیهما السلام.
- موسوی بجنوردی، سید حسن (۱۳۷۷)، **القواعد الفقهیه**، ج ۳، قم: الهادی.
- موسوی قزوینی، سید علی (۱۴۲۷ق)، **تعلیقہ علی معالم الاصول**، ج ۷، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.

بررسی فقهی رابطه نامتعارف زوجین و نسبت آن با تمکین _____ ۱۳۳

- نجفی (صاحب جواهر)، محمدحسن (۱۴۳۲ق)، **جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام**، ج ۲۹ و ۳۱، ج ۷، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.

- نراقی، مولی احمد بن محمد مهدی (۱۴۱۵ق)، **مستند الشیعه فی احکام الشریعه**، ج ۱۶، قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام لاحیاء التراث.

- نظری توکلی، سعید؛ کراچیان ثانی فاطمه (۱۳۹۷)، **قلمرو حقوق همسر در روابط زناشویی از منظر فقه و حقوق خانوادہ**، مطالعات فقه و حقوق اسلامی، ۱۹، ۳۵۹-۳۷۸.

